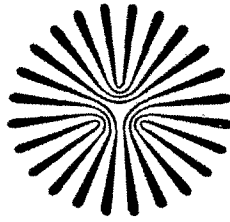


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دانشگاه پیام نور - دانشکده علوم انسانی	
واحد آموزشی	
شماره ثبت	PIR
شماره دوره	۶۸
شماره کتاب	۸۴۱۱/۱۱



دانشگاه پیام نور

دانشکده علوم انسانی

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

نوستالژی در ادبیات

لعبت بیژنی فر

استاد راهنما:

دکتر محمد رضا ترکی

استاد مشاور:

دکتر فاطمه کوپا

۱۳۸۷ / ۴ / ۱۳

زمستان ۱۳۸۲

۱۰۵۲۹۸

چکیده

نوستالژی، پدیده‌ای جامعه‌شناختی - روان‌شناختی است و از اندوه و حسرتی سرچشمه می‌گیرد که حاصل مقایسهٔ اوضاع ناخوشایند حال با گذشته‌هایی خوش و خاطره‌آفرین است. حس غربت ناشی از مهاجرت از وطن، اصل بر انگیرانندهٔ نوستالژی در این گونه است.

اما نوستالژی در ادبیات، شیوه‌ای از نگارش است که در طی آن یاد و خاطرهٔ گذشته از زوایایی متعدد، انگیزهٔ تحسّر و تأسّف را موجب می‌گردد. با دقت در آثار برخی از بزرگان ادب فارسی، انواع متفاوتی از این مقوله قابل طرح و بررسی است.

نوستالژی آشکار فردی یا اصل‌گرایی که حس غربت انسان در جهان خاکی است و با دلتنگی نسبت به جایگاه و اصل آسمانی همراه است.

نوستالژی نهفتهٔ اجتماعی یا باستان‌گرایی آرمان‌جویانه، احساس دوری از اصل ارزش‌های موجود در جامعه و تجسم جامعه‌ای آرمانی بر اساس بازگشت به گذشته است.

نوستالژی آشکار فردی یا غربت‌زدگی و دلتنگی، حس غربت در روزگار کنونی است که دلتنگی نسبت به ایام خوش گذشته را در پی دارد.

نوستالژی آشکار اجتماعی یا نقد حال، بر پایه آرمان گرایی و باستان گرایی، احساس نارضایتی از جامعه حاضر است که بر اساس مقایسه با جامعه‌های پیشین در ذهن نقش می‌بندد.

تفاوت حضور حس نوستالژیک در موقعیت‌های مختلف تاریخی - اجتماعی، همچنین بررسی این تفاوت در گونه‌های ادبی و میان خالقان آثار از نتایج دیگر حاصل از این بررسی است که بر پایه شواهد مربوط به ویژه در شعر شاعران کهن استنباط گردید. واژگان کلیدی: نوستالژی، غم، غربت، حسرت، بازگشت، گذشته، ادبیات.

پیش گفتار

در میان وظایفی که برای هنر بر شمرده‌اند، معرفی و شناساندن جهان، انسان و خود هنرمند بیانگر تعهد ذاتی و رسالت درونی این پدیده است.*

با اندکی تأمل در این ویژگی می‌توان دریافت که ادبیات و به گونه‌ای خاص تر شعر - که بیشتر بررسی حاضر بر اساس آن صورت گرفته است - به عنوان یکی از اصیل‌ترین هنرهای بشری بر این اصل منطبق است چنان که کانت در این باره آورده است:

«شعر که تبعیت آن از قاعده‌ها و نمونه‌ها کمتر از دیگر هنرهاست، برترین هنر است. شعر، اندیشه را گسترش می‌بخشد؛ بدین سان که با آزاد کردن نیروی خیال در دایره‌ای یک مفهوم که با آن هماهنگی دارد، اندیشه را چنان سرشار می‌کند که از هر نوع بیان لفظی گذر می‌کند و به صورتی زیبا شناختی به سوی ایده‌ها و مفاهیم می‌رود.» [کانت، ۱۹۶۱، ص ۱۹۲] همان‌گونه که امروزه جنبه‌های زیبا شناختی ادبیات گذرگاهی است در جهت رسیدن به دنیای درونی آن؛ دنیایی سرشار از ناگفته‌ها و همه آنچه بی تردید در آشنایی با جایگاه فردی و اجتماعی خالق اثر راهگشاست.

حاصل این سیر فرآیندی است که به تدریج و با پیشرفت علمی همچون نقد ادبی، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی شکل گرفت و سرانجام به قطعیت رسید.

*در تعریفی که هربرت رید [۱۳۵۲، ص ۲۰] از هنر ارائه داده، آمده است: «هنر در تمام تلاش‌های اصلی خود می‌کوشد تا درباره جهان، انسان یا خود هنرمند توضیح دهد.»

پیش گفتار

اما نوستالژی در ادبیات - که محور تحقیق حاضر را تشکیل می‌دهد - نیز از جمله موضوعاتی است که از این گذر قابل بررسی است. ادبیات، در همه گونه‌های آن به ویژه شعر، زاینده تخیل است. تخیل نسبت به آنچه آن را از دست داده‌ایم و بر آن اندوه می‌بریم یا آنچه به آن امید داریم و در حسرت رسیدن به آن روزگار می‌گذرانیم و این مقایسه غربت بار و حسرت آلود همان مایه و اساس نوستالژی است. از این رو با درنگی آگاهانه‌تر می‌توان انگیزه ذاتی و درونی شعر را حاصل پیوندی دانست که در یکسوی آن حسی نوستالژیک گونه به چشم می‌خورد.

حس نوستالژیک هرچند اندوه و حسرت گذشته و به تبع آن به گونه‌ای نهفته امید به آینده را در بر دارد اما در حقیقت منبعث از حس ناخشنودی نسبت به وضعیت موجود است و از حال سرچشمه می‌گیرد.

به یقین پرداختن به این مقوله به گونه‌ای مفصل در پهنه بی‌کرانه ادب فارسی به سبب گستردگی ظاهری و فراتر از آن ژرفای باطنی، مجال مناسب و مقالی شایسته می‌طلبد، اما در پژوهش حاضر، بنا بر تعریف نوستالژی و انواع آن همراه با ارائه شواهد در آثار شماری از بزرگان ادب فارسی است که از سویی به تفاوت حضور گونه‌های مختلف این حس در آفرینندگان آثار و از دیگر سو به سیر تحول این احساس - به شیوه استقراء ناقص - در سده‌ها و سبک‌های مختلف ادبی با توجه به احوال فردی و تأثر از اوضاع اجتماعی مسلط بر خالق اثر و عصر حاکم، منتهی می‌گردد.

نوستالژی واژه‌ای است فراگیر و مفاهیمی اصلی همچون غربت و دل‌تنگی و به موازات آن حسرت، بازگشت به گذشته و در جستجوی ژرف تر و لایه‌هایی پنهان‌تر امید به آینده را در بر دارد. از آنجا که تعاریف و تقسیمات این مقوله، جدای از معرفی مختصری که دانش نامه ادب فارسی ارائه داده است، از نتایج بررسی جستار حاضر است، در برابر گونه‌های آن یک مفهوم و در بیشتر موارد برداشتی که حاصل پیوند دو مفهوم باشد، پیشنهاد شده است. البته آنجا که کلیت موضوع مورد نظر است به یقین هیچ واژه‌ای جامع‌تر و رساتر از خود نوستالژی نیست. همچنین پس از نام افراد و آثار اعدادی در

پیش گفتار

پرانتر ذکر شده است که بیانگر تاریخ وفات و تاریخ تألیف مربوط به آن‌ها است. شماره‌های موجود در متن نیز به اشاراتی باز می‌گردد که در پی‌نویس شرح مفصّل‌تری از آن‌ها آمده است. اما تدوین و نگارش این رساله، حاصل راهنمایی‌ها و راهگشایی‌های بی‌دریغ استاد ارجمند و ادیب فاضل، جناب آقای دکتر ترکی و اشارت‌ها و مشورت‌های استاد محترم سرکار خانم دکتر کوپا است که همواره سپاس‌گزار و قدردان عنایات و زحمات ایشان خواهم بود.

فهرست مطالب

بخش اول

کلیات نقد

۲-۴

۲

نقد ادبی، بیرونی و درونی

۳

نقد جامعه شناسی

۳

نقد روان شناسی

بخش دوم

نوستالژی

۶-۱۲

۶

تعریف نوستالژی

۶

سابقه پیدایش نوستالژی

۱۰

اصل مشترک نوستالژی در همه جوامع بشری

۱۱

نوستالژی در نظر کوندرا

بخش سوّم

۱۴-۱۹	نوستالژی در ادبیات
۱۴	تعریف نوستالژی در ادبیات
۱۵	گونه‌های نوستالژی در ادبیات
۱۵	نوستالژی نهفته فردی
۱۶	نوستالژی آشکار فردی
۱۶	نوستالژی نهفته اجتماعی
۱۷	نوستالژی آشکار اجتماعی

بخش چهارم

۲۱-۳۲	سیر تاریخی - اجتماعی ادبیات
۲۱	طاهریان
۲۱	صفاریان
۲۲	سامانیان
۲۳	غزنویان
۲۴	سلجوقیان و خوارزمشاهیان
۲۴	عصر مغول و تیمور
۲۸	صفویان

۲۹	افشاریه
۲۹	زندیان
۳۰	قاجار
۳۱	مشروطه

بخش پنجم

۳۴-۱۳۹	بررسی انواع نوستالژی در ادبیات
۳۴	نوستالژی نهفته فردی
۳۴	روایات دینی
۳۴	تورات
۳۵	انجیل
۳۵	قرآن
۳۶	تفاسیر قرآنی
۳۶	احادیث
۳۷	عرفان
۳۸	ادب کهن
۳۸	ادبیات عارفانه
۳۹	خواجه عبدالله انصاری
۴۰	ادبیات تمثیلی
۴۰	سهروردی

۴۱	نجم الدین رازی
۴۲	عطار
۴۳	مولوی
۵۰	حافظ
۵۲	بیدل
۵۳	شیخ بهایی
۵۴	ادب معاصر
۵۴	شریعتی
۵۶	انخوان ثالث
۵۸	نوستالژی آشکار فردی
۵۸	ادب کهن
۵۸	یادیار
۵۹	سعدی
۶۰	حافظ
۶۱	خاطره دیاریار
۶۱	گریه بر ربیع و اطلال و دمن
۶۲	منوچهری
۶۳	امیر معزی
۶۴	دلتنگی بر زادگاه
۶۴	اوستا

۶۵	رودکی
۶۵	شاعران سیاسی - دینی
۶۵	ناصر خسرو
۶۸	مسعود سعد
۶۹	شاعران سبک هندی
۷۰	صائب تبریزی
۷۴	ادبیات مهجر
۷۵	خاطره عهد برنایی و توانایی
۷۶	مفاهیم ضمنی
۷۷	ادب معاصر
۷۷	اخوان ثالث
۷۹	فروغ فرخزاد
۸۳	نوستالژی نهفته اجتماعی
۸۳	سابقه اندیشه آرمان شهری
۸۴	آرمان گرایی در فرهنگ ایرانی
۸۵	اوستا
۸۵	ادب کهن
۸۵	فردوسی
۱۰۵	نظامی
۱۰۶	جامی

- ۱۰۷ سعدی
- ۱۰۷ مجمل التواریخ و القصص
- ۱۰۸ سامنامه خواجه
- ۱۰۸ آرمان شهر در متون اسلامی
- ۱۰۹ مدایح آرمان گرایانه
- ۱۱۰ تأسف شاعران هر عصر نسبت به روزگار شاعران پیش از خود
- ۱۱۱ سبک بازگشت
- ۱۱۲ ادب معاصر
- ۱۱۲ شاملو
- ۱۱۳ سپهری
- ۱۱۵ نوستالژی آشکار اجتماعی
- ۱۱۵ پیشینه نوستالژی نهفته اجتماعی
- ۱۱۵ مرثیه آدم در مرگ هاییل
- ۱۱۶ ادب کهن
- ۱۱۶ ناصر خسرو
- ۱۱۸ سنایی
- ۱۲۰ جمال الدین اصفهانی
- ۱۲۱ سیف فرغانی
- ۱۲۴ اوحدی مراغه‌ای
- ۱۲۵ عید زاکانی

۱۲۷	حافظ
۱۲۹	عصر مشروطه
۱۲۹	آخوندزاده
۱۳۱	ملک الشعرا بهار
۱۳۱	عارف قزوینی
۱۳۲	فرخی یزدی
۱۳۲	میرزاده عشقی
۱۳۳	ادیب الممالک فراهانی
۱۳۴	اقبال لاهوری
۱۳۵	ادب معاصر
۱۳۵	نیما یوشیج
۱۳۶	اخوان ثالث
۱۳۷	شاعران پس از جنگ

نتیجه

۱۴۱

پی نویس

۱۴۴

کتابنامه

۱۴۷

بخش اول

کلیات نقد

مقوله نقد ادبی را می‌توان از جمله تلاش‌هایی بر شمرد که در قرون اخیر در تفهیم و تبیین ادبیات و متون ادبی نقشی بسزا داشته است. نقد ادبی را به «سخن‌سنجی» و «سخن‌شناسی» * تعبیر کرده‌اند و آن «عبارت است از شناخت ارزش و بهای آثار ادبی و شرح و تفسیر آن». [زرین کوب، ۱۳۷۳، ص ۵] و وظیفه آن «عبارت از این است که بین نویسنده اثر ادبی با خواننده عادی واسطه شود.» [همان، ص ۱۱]

در یک نگرش کلی نقد ادبی از دو زاویه نقد درونی و نقد بیرونی قابل بررسی است. ** منظور از نقد درونی ادبی نقدی است که به مطالعه ساختار درونی متون ادبی مانند نقد لفظ، نقد معنی، تصحیح نسخ و متون و ادبیات تطبیقی می‌پردازد، اما نقد بیرونی که از نتایج پیشرفت‌های قرن حاضر است، تحولی درونی را در نقد ادبی فراهم آورده است.

نقد بیرونی ادبی نقدی است که هدف آن بررسی و نقد متون ادبی از زاویه علمی متفاوت از جمله جامعه‌شناسی و روان‌شناسی است که محور اصلی پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهد.

* نک نقد ادبی، دکتر زرین کوب، ۱۳۷۳، ص ۵.

** برای آگاهی بیشتر رک ج، ص ۱۶، تاریخ نقد جدید، رنه ولک، ۱۳۷۳، سه جلد، ترجمه سعید ارباب شیرانی،

به یقین «رابطه میان جامعه و هنر و ادبیات به حدی آشکار و طبیعی است که گویی از راه حواس نیز می‌توان بدان پی‌برد.» [هاوزر و دیگران، ۲۵۳۵، ص ۱۴۶] رابطه‌ای آشکار که به تأثیری متقابل می‌انجامد. «شک نیست که محیط ادبی از تأثیر محیط اجتماعی بر کنار نتواند بود؛ افکار، عقاید، ذوق‌ها و اندیشه‌ها تابع احوال اجتماعی می‌باشد.» [زرین کوب، ۱۳۷۳، ص ۴۱] و نقد اجتماعی علمی است که محور اصلی آن را مطالعه همین تأثیر و تأثر تشکیل می‌دهد. از آنجا که «ادبیات و جامعه هر دو در حال تحوّل و تحرّک می‌باشند و در یکدیگر تأثیر متقابل می‌نمایند از این قرار هرگز نباید فعالیت ادبی را از فعالیت کلی اجتماع جدا کرد.» [همان، همان صفحه]

حاصل این پیوند علمی تحت عنوان جامعه‌شناسی ادبیات را ایجاد می‌کند. جامعه‌شناسی ادبیات، علمی است که وظیفه آن شرح روابط پنهان و آشکار آثار ادبی و آفرینندگان آن آثار و حتی دیگر افراد جوامع بشری با زمان حال، گذشته و آینده جامعه است.

همچنین از سویی دیگر «توجه به ارزش روان‌شناسی را منتقدان در فهم آثار ادبی بسیار مهم می‌شمرند و آن را مفتاح سایر شقوق و اقسام نقد به شمار می‌آورند. می‌توان گفت از نظر منتقد، شعر و ادب عبارت از روان‌شناسی شاعر یا نویسنده است و ذوق و وجد و شور و احساس و تخیل او را که تحت تأثیر جذبه و الهام صبغه شعر گرفته است، بیان می‌کند. در شعر شاعر می‌توان دریافت که عواطف و احساسات او چیست؟ محرّک او دراندیشه‌ها و الهامات خویش کدام است؟ صفات و احوال نفسانی غالب بر عصر او و معاصران او را نیز می‌توان شناخت. باری شعر هر شعر معرّف خصال و سجایای او و به عبارت دیگر روان‌شناسی او به حساب می‌آید.» [همان، صص ۴۹ و ۵۰] برخی از منتقدین [ولک و وارون، ۱۳۷۳، ص ۸۲] منظور از روان‌شناسی ادبیات را «مطالعه روان‌شناختی نویسنده به عنوان نوع یا فرد یا مطالعه سنخ‌ها و قوانین روان‌شناختی موجود در آثار ادبی یا سرانجام مطالعه تأثیر ادبیات بر خوانندگان آثار ادبی» می‌شمرند.

بخش اول _____ کلیات نقد

هدف از نقد روانی تأثیر حالات روانی و عاطفی خالق اثر در اثر ادبی است. منتقدان ادبی با بررسی روان شناسانه اثر به حالات روحی آفریننده پی می‌برند و بدین ترتیب به تحلیل شخصیت او می‌پردازند.

بخش دوم

نوستالژی

۱-۲- تعریف نوستالژی

«نوستالژی، (nos.tāl̄zī) واژه ای فرانسوی (nostalgia)، برگرفته از دو سازه یونانی nostos به معنی بازگشت و algos به معنی درد و رنج. این واژه را در فرهنگ‌های لغت به معنی حسرت گذشته، غم غربت و درد دوری آورده‌اند.» [کوروش صفوی، دانش‌نامه ادب فارسی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۱۳۵۹]

«دلتنگی برای میهن»، «دلتنگی به سبب دوری از وطن» و «دلتنگی حاصل از یاد آوری گذشته‌های درخشان» از دیگر مفاهیم معادل واژه نوستالژی است که در فرهنگ‌های مختلف - اعم از فارسی و انگلیسی - در برابر آن یافت می‌شود.

۲-۲- سابقه پیدایش نوستالژی

«به خلاف حدس و گمان ما واژه نوستالژی نه از عالم شعر و ادبیات یا سیاست که از علم پزشکی سر برآورده است.

این واژه ... در سال ۱۶۸۸ یعنی سیصد و چهارده سال پیش، برای نخستین بار در پایان نامه رشته پزشکی یوهانس هوفر دانشجوی سوئسی ظاهر شد که می‌خواست با ابداع این واژه حالت غمگین شدن ناشی از آرزوی بازگشت به سرزمین بومی را توضیح دهد. (هوفر همچنین واژه‌های نوسومانیا و فیلوپتری دومانیا را هم برای توضیح همان نشانه‌ها و حالت‌ها پیشنهاد کرده بود).